



۲۰۱۹/۱۰/۱۵



حمید انوری

ایالات متحده آمریکا، متحد قابل اعتماد نیست!

از حاشیه روی ها که بگذریم، در آخرین حرکت، رئیس جمهور امریکا، آقای دونالد ترامپ، ناچاپ(شاید هم در تبنانی با اردوغان)، عساکر خود را از شمال سوریه بیرون کرد، سوریه را به خاک و خون کشانیدند، تفرقه های قومی، مذهبی، لسانی و منطقی را در آنجا دامن زدند، صدها هزار انسان را از دم تیغ گذشتاندند و کشوری را به خاکدان سیه نشانند و حالا هم راه خود را گرفته رفتند...

اکنون شمال سوریه و کرد های کوبانی، بعد از مقاومت های بی نظیر و درهم کوبیدن داعشی های وحشی، مورد تاخت و تاز نظامی نیروهای متجاوز ترکیه قرار گرفته اند و عساکر تا دندان مسلح و مجهز ترکیه، از زمین و آسمان کرد های سوریه و کوبانی ها را مورد حمله قرار داده اند و با بهانه های غیر منطقی، تلاش می کنند تا اسیران داعشی را که در اسارت مبارزین کوبانی قرار دارند، آزاد سازند و داعشی ها را بار دگر در منطقه فعال سازند.

"... گفته می شود حدود دوازده هزار تن از اعضای داعش در زندان های نیروهای دموکراتیک سوریه هستند در حالیکه این گروه در حال حاضر، در معرض حملات اردوی ترکیه و گروه های متحد آن قرار گرفته است. این نگرانی وجود دارد که اگر نگهبانان این افراد مواضع خود را برای مقابله با حملات ارتش ترکیه ترک کنند، وضعیت زندانیان چه خواهد شد."



هم اکنون کرد های سوریه مورد حملات شدید نظامیان تجاوزگر ترکیه قرار دارند و متحدین امریکائی شان به دستور ترامپ، نظاره گر اوضاع هستند.

گفته می شد که یکی از حامیان اصلی گروه تروریستی داعش، رجب طیب اردوغان و رژیم فاسد او در ترکیه



بوده و تجهیز، تمویل و تسلیح تروریستان داعش در عراق و سوریه، به دوش همین رژیم منفور بود، و امروز دیده می شود که آن شایعات و آن ادعا ها، از حقیقت دور نبوده است و در عمل به اثبات میرسد.

همین اکنون گزارشات مختلف حاکی از آن اند که هزاران تن از اسیران داعشی و فامیل های شان از کمپ های کُرد های سوریه، فرار کرده و به صوب سرحدات ترکیه در حرکت اند. تروریستان داعشی را بار دیگر به میدان می آورند.

و اما برگردیم به اصل مطلب و آنهم اینکه امریکائی ها هیچگاه متحدین قابل اعتمادی نبوده اند و نمی شود بر آنها اعتماد کرد.

نظر کوتاهی می اندازیم به لیبیا، سوریه، عراق و افغانستان، که در همین سالیان پسین، نیروهای نظامی امریکا تلاش کرده اند تا گویا نقش دایهٔ مهربان تر از مادر را در آن سرزمین ها بازی کنند.

لیبیا:

"... سه سال پس از مداخله نظامی غرب در لیبیا که به سرنگونی معمر قذافی منتهی شد؛ لیبیا به کشوری ویران، فاقد نظم، فاقد امنیت و در ضمن به صحنهٔ جنگهای گوناگون داخلی تبدیل شد. از آن زمان تا کنون این کشور شاهد خرابکاری های گسترده، محاصره دائمی پارلمان، اشغال وزارتخانه ها و حتی در یک مورد ربودن صدراعظم بوده است.

بعضی از شبه نظامیان تا حد زیادی به دلیل علاقه به شهر و منطقهٔ خودشان می جنگند، و بعضی دیگر به گروه های اسلامی سیاسی مثل **اخوان المسلمین**، القاعده یا دولت اسلامی عراق و شام وابسته هستند.

اکنون دو دولت رقیب در لیبیا وجود دارد. یکی اعضای مجلسی که در انتخابات جون ۲۰۱۴ برگزیده شدند. آن ها نماد آیندهٔ دموکراتیک کشور بوده و از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته می شوند، اما کنترل هیچ یک از سه شهر کلیدی کشور را در دست ندارند. آن ها برای فرار از دست شبه نظامیان به شهر طبرق در نزدیکی مرز مصر گریخته اند. گروه دیگر، مجلس پیشین موسوم به کنگره ملی عمومی در طرابلس هنوز بر سر کار است. این مجلس حتی دولت خود را در رقابت با آن مجلس بر سر کار آورده است.

نزدیک به ۱۷۰۰ گروه شبه نظامی از جمله **اخوان المسلمین**، القاعده و دولت اسلامی عراق و شام در حال جنگ با یکدیگر بر سر قدرت هستند..."

سوریه:

"... براساس گزارش دیده بان حقوق بشر، از آغاز جنگ سوریه تاکنون زیربنا های زیادی در این کشور ویران و بیش از ۴۶۰ هزارتن کشته و بیش از نیمی از ساکنان داخلی و خارجی آن آواره شده اند، اما بانک جهانی می گوید خسارت ها بیش از این است. حافظ غانم معاون وقت رئیس بانک جهانی در امور خاورمیانه و

شمال آفریقا در سال ۲۰۱۷ درباره جنگ داخلی سوریه گفته است: جنگ در سوریه بافت اجتماعی و اقتصادی کشور را از بین برده است. جنگ علاوه بر تعداد زیاد قربانیان، سازمان ها و نهاد هایی را که جامعه برای انجام وظایف به آن ها نیاز دارند، از بین برده است و بازسازی آن ها با مشکلات بزرگتر از بازسازی زیربناها مواجه خواهد بود، زیرا این چلنج ها با تداوم جنگ بزرگتر می شود. سوریه از مارچ ۲۰۱۱ تا کنون به دلیل ورود تروریست های خارجی به این کشور با بحران مواجه است...

عراق:

"...عراق تبدیل به یکی از بزرگترین خریداران تجهیزات نظامی از آمریکا شد. اردوی این کشور سلاح های کلاشنیکوف خود را کنار گذاشت و به ام ۱۶ و ام ۴ مجهز شد. در سال ۲۰۰۸ آمریکا ۳۴ میلیارد دلار صادرات جنگ افزار داشت که تنها ۱۲,۵ میلیارد از آن به عراق فروخته شد (البته این عدد شامل جنگنده های اف ۱۶ نمی شود).

عراق در نظر داشت ۳۶ فروند جنگنده اف ۱۶ بخرد که در آن زمان پیچیده ترین وسیله جنگی برای این کشور به حساب می آمد. پنتاگون، کنگره آمریکا را در جریان گذاشت که این وزارتخانه مجوز فروش ۲۴ هلی کوپتر تهاجمی آمریکایی به ارزش ۲,۴ میلیارد دلار به عراق را صادر کرده است. عراق اعلام کرد که با احتساب هلی کوپترهای مذکور قصد دارد دستکم ۱۰ میلیارد دلار جنگ افزار شامل تانک، نفر بر های زرهی، طیارات ترانسپورتی و دیگر تجهیزات نبرد از آمریکا خریداری کند. در تابستان آن سال وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که عراق تقاضای خرید ۴۰۰ زرهپوش و دیگر تجهیزات نظامی به ارزش ۳ میلیارد دلار و شش فروند طیاره ترانسپورتی نظامی سی ۱۳۰ جی به ارزش ۱,۵ میلیارد دلار از آمریکا را اعلام کرده است. ایالات متحده در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ تقریباً ۲۰ میلیارد دلار جنگ افزار در قالب موافقت نامه های فروش به عراق فروخت...

بر اساس اکثریت تخمین ها، شمار قربانیان جنگ عراق بین ۱۵۰ هزار نفر تا نیم میلیون تن می رسد. برخی از تحقیقات جدی شمار کشته شدگان را حتی بیشتر از این تخمین زده اند. طور مثال هفته نامه معروف طبی "لانست" در سال ۲۰۰۶ حتی از ۶۵۰ هزار "کشته اضافی" سخن گفته بود. در این آمار، در پهلوی قربانیان خشونت، همچنان تلفات ناشی از بمباران زیربناها و نظام ویران شده صحی در نظر گرفته شده است. اما یک چیز دقیقاً واضح است و آن اینکه این جنگ بر بنیاد دلایل دروغین آغاز شد. تصویر دومی که ثبت حافظه جمعی بشریت شد، سخنرانی کالین پاول وزیر خارجه آن وقت ایالات متحده آمریکا به تاریخ ۵ فبروری ۲۰۰۳ در برابر شورای امنیت سازمان ملل است. پاول شش هفته پیش از آغاز جنگ عراق، در سخنرانی ۷۶ دقیقه بی اش، بیشتر بر این تأکید کرد که صدام حسین سلاح های کشتار جمعی بیولوژیکی و کیمیایی در اختیار دارد، حکومت صدام حسین از تروریسم بین المللی حمایت می کند و برای ساختن سلاح های اتمی تلاش می ورزد.

همچنان با نشان داده شماری از تصاویر ماهواره بی ادعا شده بود که حکومت صدام، به منظور فرار از کنترل سختگیرانه بازرسان سازمان ملل، یک تعداد موتر های لاری را به لابراتوار سیار سلاح بیولوژیکی تبدیل کرده بود. یکی از دلایلی که سخنرانی پاول را فراموش ناشدنی ساخته اینست که همه این ادعا ها بعداً

غلط ثابت شدند. خود پاول هم در سال ۲۰۰۵ این اظهارات خود را لکه شرم آور در تاریخ زندگی کاری اش خواند.



یکی از شواهد غلطی که کالین پاول ارایه کرده بود، در مورد لابراتوار های سیار سلاح کیمیایی و بیولوژیکی صدام حسین بود ری مک گاورن ۷۸ ساله، که ۲۷ سال در اداره استخبارات مرکزی ایالات متحده امریکا (سی.آی.ای) کار می کرد، در صحبتی با دویچه وله گفت: «استخبارات اشتباه نکرده بود، بلکه این یک جعل بود، و آنها آن را می دانستند.»

و اما در مورد افغانستان:

"... در ۴ اکتبر ۲۰۰۱، طالبان به صورت مخفیانه قصد داشتند تا بن لادن را به پاکستان برده و در یک محاکمه بین‌المللی که توسط شریعت الهی اداره می شد برای حوادث ۱۱ سپتامبر به محاکمه بسپارند. در ۷ اکتبر ۲۰۰۱، طالبان پیشنهاد محاکمه بن لادن را در خاک افغانستان در یک محاکمه اسلامی به ایالات متحده دادند که این پیشنهاد بلافاصله از سوی مقامات امریکایی در همان روز رد شد. ایالات متحده و بریتانیا شروع حملات خود را به کمپ های طالبان و القاعده آغاز کردند. در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۱، طالبان پیشنهاد دیگری برای محاکمه و تحویل دادن بن لادن را در خاک کشور سوم (کشوری غیر از افغانستان و امریکا) به ایالات متحده دادند و شرط آن ها این بود که فقط در صورتی که آن ها شواهد کافی برای دست داشتن بن لادن در حوادث ۱۱ سپتامبر ارائه کنند. جورج بوش این درخواست را نیز رد کرد و اعلام نمود که: «نیازی به بحث در مورد گناهکار یا بی گناه بودن نیست، ما همه می دانیم که او گناهکار است»...

تلفات ملکی در افغانستان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ بصورت اوسط ۲۸۸۰۰ نفر تخمین زده می شود، آمار و ارقام دقیق در دست نیست. اما نظر به همین ارقام داده شده که یازده سال را در برمی گیرد، می توان حد اوسط تلفات غیر نظامیان و مردم عام افغانستان را در شش سال متباقی، حدس زد و تخمین کرد.

و اما و مگر آنچه نباید از قلم بیفتد، این تواند بود که امریکائی ها و متحدین غربی آن با سرکوب نمودن طالبان و القاعده در افغانستان، یک مشت داره ماران بی آبرو و جنگسالاران بی همه چیز را بر گرده مردم مظلوم و جنگ زده افغانستان تحمیل کردند که در این هژده سال پسین، یک ملت بزرگ را به گروگان گرفته اند.

و امروز که دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا ساز بیرون نمودن عساکر خود از افغانستان را می نوازد، می بینیم که همان طالبان، دوستان امریکا گردیده و نغاره برگشت را می نوازند، همان گلبدین راکتیار که برای زنده و مرده اش جایزه تعیین کرده بودند را با کش و فش و پیشکش میلیون ها دالر و کرج و کلاه و آرگاه و بارگاه تا جایی حمایت کردند که دهل ریاست جمهوری میزند، یک مشت داره مار و بی کار و بی روزگار را وکیلان مردم ساخته اند که هر کدام بیش از بیست بادیگارد مسلح و ده ها وسیله نقلیه ضد گلوله در اختیار دارند که چپ و راست نیرو های امنیتی کشور را توهین و تحقیر می کنند و خلاف تمام تعاملات و قوانین و اصول شناخته شده ملی و بین المللی، در نیمه شب وزیری را به پارلمان احضار می کنند و ... اینها همه تحفه های امریکا و متحدین به کشور جنگ زده ما است.

بر علاوه، طالبان را شجاع تر از قبل ساخته اند، القاعده هنوز زنده و فعال است و ارتباطات تنگاتنگ با طالبان دارند، پا های کثیف داعش نیز به افغانستان رسیده است و اینهمه از نظر لطف امریکا می بینم.

با قاطعیت می توان گفت آنچه در عراق و لیبیا و سوریه گذشت و میگذرد هنوز، منتظر افغانستان است، اما بگفته مشهور وطنی ما: " دنیا را آب بگیرد، مرغابی را تا بند پا است" و امریکائی ها و متحدین اروپائی آن فقط در غم فروش سلاح هستند.

پس ای هموطن! اگر امروز صدای گُرد های سوریه را بلند نکنیم، فردا نوبت ما خواهد بود و آنگاه کسی نخواهد بود که در غم ما یخن پاره کند.

اول سراغ کمونیست ها آمدند،

سکوت کردم چون کمونیست نبودم.

بعد سراغ سوسیالیست ها آمدند،

سکوت کردم زیرا سوسیالیست نبودم.

بعد سراغ یهودی ها آمدند،

سکوت کردم چون یهودی نبودم.

سراغ خودم که آمدند،

دیگر کسی نبود تا به اعتراض برآید.

(فریدریش گوستاف امیل مارتین نیمولر Friedrich Gustav Emil Martin Niemöller)

منابع و مأخذ: گوگل

hamid_anwari_5_America_motahed_qaabel.pdf